

افسردگی کودکان CDS

(فرم گزارش کودک)

تیش و لانگ

تحصیلات:

سن:

نام و نام خانوادگی:

منطقه:

نام مدرسه:

مقیاس افسردگی کودکان

کاملاً درست	کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی دانم	غلط	کاملاً غلط
					۱ بیشتر وقت ها از خودم خوشم می آید.
					۲ همیشه با خوشحالی منتظر رسیدن روز بعد هستم.
					۳ احساس می کنم در زندگی رنج های فراوانی هست.
					۴ وقتی کسی نسبت به من خشمگین می شود خیلی ناراحت می شوم.
					۵ از بیشتر کارهایی که انجام می دهم احساس غرور می کنم.
					۶ وقتی خیلی خشمگین می شوم معمولاً به گریه می افتم.
					۷ بیشتر وقت ها مدرسه مرا بیچاره می کند.
					۸ همیشه در مدرسه دوست دارم کارهای زیادی انجام بدهم.
					۹ بیشتر وقت ها احساس می کنم که آدم به درد بخور با ارزشی نیستم.
					۱۰ بعضی وقت ها آرزو می کنم که بمیرم.
					۱۱ بیشتر وقت ها پدر یا مادرم باعث می شوند احساس کنم کارهایی که انجام می دهم بسیار خوبند.
					۱۲ بیشتر شبها از خواب می پرم.
					۱۳ من خودم را از بیشتر بچه هایی که می شناسم خسته تر احساس می کنم.
					۱۴ بیشتر وقت ها دست و دلم به هیچ کاری نمی رود.
					۱۵ در خانواده ما همه با هم با خوبی و خوشی زندگی می کنند.
					۱۶ بیشتر وقت ها احساس می کنم کسی مرا تحویل نمی گیرد.

کاملاً درست	درست نمی دانم	مطمئن نیستم	غلط	کاملاً غلط	
					۷ وقتی کسی نسبت به من عصبانی می شود من هم نسبت به او عصبانی می شوم.
					۸ بیشتر وقت ها احساس تنهایی می کنم.
					۹ بیشتر وقت ها از خودم دلخور هستم.
					۱۰ بیشتر وقت ها نمی توانم به دیگران بفهمانم که غم و ناراحتی من چقدر است.
					۱۱ بیشتر وقت ها احساس می کنم مادر یا پدرم را از خود ناامید می کنم.
					۱۲ از کارهایی که انجام می دهم خوشم می آید.
					۱۳ بعضی وقت ها باورم می شود که مادر یا پدرم با اعمال یا گفته هایشان می خواهند به من بفهمانند که در حق آنها خیلی بدی انجام داده ام.
					۱۴ بیشتر وقت ها در مدرسه خوشم.
					۱۵ از طرز فکر و طرز رفتار خودم متنفرم.
					۱۶ بیشتر وقت ها دوست ندارم صبح ها از جایم بلند شوم.
					۱۷ بیشتر وقت ها دلم می خواهد در مدرسه گریه کنم.
					۱۸ در مدرسه که هستم بیشتر وقت ها احساس تنهایی و بی کسی می کنم.
					۱۹ احساس می کنم پدر و مادرم به وجود من خیلی افتخار می کنند.
					۲۰ بیشتر وقت ها احساس دل مردگی می کنم (در درون خود احساس می کنم که مرده ام).
					۲۱ وقتی کسی به آدم زور بگوید احساس خشم کردن چیز کاملاً درستی است.
					۲۲ بیشتر وقت ها احساس بدبختی می کنم یا بغض و گریه ام می گیرد و یا غمگین و ناراحتم
					۲۳ بعضی وقت ها احساس می کنم زندگی ارزشی ندارد.

کاملاً درست	درست نمی دانم	مطمئن نیستم	غلط	کاملاً غلط
				۴ شبها خوب و راحت می خوابم و در طول شب هیچ بیدار نمی شوم.
				۵ بیشتر وقتها از خودم بدم می آید.
				۶ دوستان زیادی دارم.
				۷ بعضی وقتها می ترسم عملی از من سر بزنده مادر یا پدرم را اذیت یا غمگین کند.
				۸ بیشتر وقتها از وضعی که دارم خجالت می کشم.
				۹ بیشتر وقتها احساس می کنم سزاوار تنبیه هستم.
				۱۰ بیشتر وقتها احساس می کنم هیچ کس مرا درک نمی کند.
				۱ آدم خیلی شادی هستم.
				۲ بیشتر وقتها تکالیف مدرسه مرا کلافه و عاجز می کند.
				۳ بیشتر وقتها نگران سلامتی مادرم هستم.
				۴ اوقاتم را با انجام کارهای خیلی جالبی با پدرم می گذرانم.
				۵ هنگام دوری از خانه خیلی احساس خشنودی نمی کنم.
				۶ بعضی وقتها از خودم حالم بهم می خورد چون مادر یا پدرم را آنچنان که باید دوست ندارم.
				۷ احساس می کنم مردم مرا دوست دارند گرچه من شاید سستی آن را ندارم.
				۸ بیشتر وقتها در مدرسه احساس خستگی می کنم.
				۹ هیچ کس نمی داند که من چقدر غمگین و ناراحتم.

کاملاً درست	درست نمی دانم	مطمئن نیستم	غلط	کاملاً غلط	
					۰ بعضی وقتها خواب می بینم صدمه دیده یا کشته شده ام.
					۱ بعضی وقتها نمی دانم چرا دلم می خواهد گریه کنم.
					۲ بعضی وقتها به این فکر می افتم که نکند باطناً آدم خیلی بدی باشم.
					۳ وقتی در مدرسه با شکستی روبرو می شوم احساس می کنم آدم لایق و به درد خوری نیستم.
					۴ احساس می کنم زندگی برایم مایه بدبختی است.
					۵ بعضی وقتها باورم می شود که کارهایی را انجام می دهم که ممکن است مادر یا پدرم را مریض کند.
					۶ بیشتر وقتها احساس می کنم وجودم فایده ای برای هیچکس ندارد.
					۷ خیلی ها به من توجه زیادی دارند.
					۸ بیشتر وقتها احساس می کنم به اندازه ای که دلم می خواهد خوب نیستم.
					۹ بیشتر وقتها احساس می کنم ناراحتم چون فرصت انجام دادن کارهایی را که دوست دارم پیدا نمی کنم.
					۰ بیشتر وقتها به نظرم می رسد صدمه دیده ام یا کشته شده ام.
					۱ بعضی وقتها از خودم بدم می آید چون نمی توانم نسبت به مادر یا پدرم توجه یا نیازمندش هستم.
					۲ بیشتر وقتها احساس می کنم به جایی نخواهم رسید.

کاملاً غلط	غلط	مطمئن نیستم	درست نمی دانم	کاملاً درست	
					۳ بعضی وقت ها احساس می کنم که در درون من دو نفر هستند که هر کدام مرا به سوی می کشند.
					۴ هنگام دوری از خانواده احساس تنهایی و بی هوذگی می کنم.
					۵ احساس می کنم آدم زیبا و قشنگی هستم.
					۶ در بیشتر کارهایی که انجام می دهم موفق هستم.

نحوه اجرا: فردي

نمره دهی و تجزیه و تحلیل

در این تست ۴۸ ماده منفي و ۱۸ ماده مثبت که روي هم ۶۶ ماده میشوند، دو مجموع مواد جداگانه و مستقل را تشکیل می‌دهند که به شکل جداگانه نمره‌گذاری می‌شوند و دو نمره مثبت و منفي را بدست می‌دهند. نمره‌گذاری بر مقياس ۵ درجه‌اي انجام می‌گیرد. کاملاً غلط ۱، غلط ۲، نمی‌دانم ۳، درست ۴ و کاملاً درست ۵ می‌گیرد. جمع نمرات هر مقياس فرعي و جمع کل نیز بدست می‌آید. تفاوت نمره کل با مجموع نمرات مقياس‌هاي فرعي لذت (PE) و متفرقه لذت (MP) نمره کل افسردگی فرد را مشخص می‌کند. حداقل نمره ۶۶ و حداکثر نمره ۳۳۰ می‌باشد.